

سیمای جمیله بو حیرد؛ بانوی انقلابی و مجاهد الجزائری در شعر معاصر عربی

تورج زینی وند^{۱*}

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی

عاطفه پورشمس^۲

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰)

صفحات ۱۱۹-۱۳۲

چکیده

کشور الجزائر، مدت ها در استعمار فرانسه بود که با مقاومت و مجاهدت مردان و زنان توانست از سلطه استعمارگران رهایی یابد. زنان مبارز در عرصه انقلاب الجزائر نقش بسزایی داشتند. از جمله این زنان، می توان به «جمیله بو حیرد» (۱۹۳۵م/۱۳۵۳ق) اشاره کرد که آوازه این زن مجاهد در سراسر کشورهای عرب طنین انداز شده است؛ نه تنها شعرای الجزائری، بلکه برخی از شاعران در سرزمین های عربی (عراق، سوریه، مصر، سودان، فلسطین و عربستان) با ظرافت و زیبایی خاصی به ستایش او پرداخته اند. در این پژوهش، تصویر شخصیت و مجاهدت های این زن مبارز در شعر برخی از شاعران معاصر عربی از جمله: بدر شاکر السیاب، نازک الملائکه، نزار قبانی، أحمد عبدالمعطی حجازی، راشد حسین، محمد فیتوری و حسن عبدالله القرشی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های پژوهش، بیانگر این است که شاعران عرب با تصویر کشیدن مجاهدت های وی در برابر دشمن توانسته اند از ایشان به عنوان الگویی برای گسترش بینش سیاسی و انقلابی در سرزمین های عرب بهره ببرند.

کلمات کلیدی: ادبیات مقاومت (پایداری)، الجزائر، زنان انقلابی، جمیله بو حیرد، شعر معاصر عرب.

۱. * نویسنده مسئول: t_zinivand56@yahoo.com

۲. atefeh.poorshams@gmail.com

۱. مقدمه

از میان کشورهای عربی که جنگ‌های پی‌درپی در آن باعث جنبش‌های مقاومت گردیده است؛ می‌توان به کشور الجزایر اشاره کرد. ساکنان این سرزمین برای رهایی از استعمار دشمن دست به دست هم دادند و سهم زنان کمتر از مردان نبود. آنها در تمام عرصه‌ها یاریگر مردان بودند و به آنها کمک می‌کردند؛ از میان زنان الجزایری آنکه بیش از همه درخسید می‌توان به «جمیله بوحیرد» اشاره کرد. وی در سال (۱۹۳۵ م / ۱۳۵۳ ق) در محله قصبه در الجزایر دیده به جهان گشود. در دوران نوجوانی در مدرسه فرانسوی آموزش دید و زمانی که بزرگ شد نقش مهمی در انقلاب الجزایر ایفا کرد (www.cloob.com). بسیاری از شاعران عرب در اشعارشان از شهادت و دلاوری این بانوی مبارز سخن به میان آورده‌اند که ذکر نام همگی آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

۱-۱. هدف، بیان مسأله و سؤالات

هدف از این پژوهش، معرفی افکار و اندیشه‌های شاعران معاصر در مورد شخصیت جمیله بوحیرد به خوانندگان به‌عنوان یکی از چهره‌های مؤثر در ادبیات پایداری کشور الجزایر است و اینکه وی چگونه به‌عنوان نماد مبارزه علیه دشمنان تبدیل شده است.

جمیله بوحیرد، به‌عنوان زنی مبارز، در سرزمین الجزایر توانست با مجاهدت‌های خویش دوشادوش مردان به مبارزه علیه استعمار بپردازد. پرسش اساسی در این پژوهش این است که شاعران معاصر عرب در توصیف جمیله بوحیرد، چه مضامینی را به‌کار برده‌اند و از چه ابزارهای ادبی استفاده کرده‌اند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون، هیچ‌گونه پژوهشی به زبان فارسی با عنوان سیمای زن الجزایری در شعر معاصر پایداری عرب با محوریت جمیله بوحیرد صورت نگرفته است. اما در پژوهش‌هایی که اخیراً صورت گرفته است، اشارات و مطالبی در مورد جمیله بوحیرد ذکر گردیده است: مقاله زینی‌وند (۱۳۹۳) با عنوان «درآمدی تحلیلی بر نمادهای پایداری در شعر راشد حسین» و مقاله رخشنده‌نیا و نعمتی قزوینی (۱۳۹۳) با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای اشعار نازک الملائکه و فروغ فرخزاد از منظر نقد اجتماعی». نویسندگان در آثار نام برده ضمن تحلیل گزیده‌ای از شعر برخی از شاعران عرب، با آوردن توضیحاتی مختصر در مورد زندگی جمیله بوحیرد به مبارزات وی اشاراتی داشته‌اند.

۳-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت و اهمیت این تحقیق بیشتر از آن جهت است که زنان مبارز در ادبیات پایداری و در شعر معاصر همواره یکی از تأثیرگذارترین قشر جامعه برای نشان دادن مقاومت در برابر استعمارگران بوده‌اند. از طرفی با عنوان کردن زنان الجزایری و نیز ذکر نام جمیله بوحیرد، مخاطبان را به تأمل درباره دیگر زنان مبارز در سایر سرزمین‌های عربی وامی‌دارد. همچنین این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای تحقیق پژوهشگران در عرصه‌های دیگر باشد. در این راستا و برای دستیابی به هدف خویش از بررسی آثاری که به نحوی به استعمارستیزی، شجاعت، مبارزه و ایثار زنان الجزایری پرداخته‌اند، بهره لازم را برده،

دیدگاه و نظرات آنها را به تصویر کشیده‌ایم. متن شعری مورد بررسی در این پژوهش؛ شعر شاعران کشورهای عربی از جمله: عراق، مصر، سوریه، فلسطین، عربستان و سودان است. بنابراین با بررسی شعر این کشورها می‌توان به دیدگاه آنان در مورد جمیله بو حیرد پی برد.

۴-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و نیز با استناد به منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای به بررسی جایگاه زن الجزائری (جمیله بو حیرد) در شعر معاصر عرب پرداخته است.

۲. سیمای جمیله بو حیرد؛ در شعر معاصر عربی

در این پژوهش با بهره‌گیری از شعر برخی از این شاعران از جمله: نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب (شاعران عراق)، نزار قبانی (شاعر سوریه)، عبدالمعطی حجازی (شاعر مصر)، راشد حسین (شاعر فلسطین)، محمد فیتوری (شاعر سودان) و حسن عبدالله القرشی (شاعر عربستان) به معرفی جایگاه این زن مبارز پرداخته می‌شود.

۲-۱. مقاومت و قیام الجزائر

انقلاب الجزائر، انقلابی بود که ملت‌های عرب را سربلند کرده، ترس و وحشت را در وجود استعمارگران انداخته بود. همچنین انقلابی بود که دشمنان به نمونه بودن آن اعتراف کردند و آن را معجزه قرن بیستم خواندند (قادری، ۱۳۸۹: ۳، به نقل از خمار، ۲۰۰۰: ۱۰۳).

بهای این انقلاب که هشت سال با قهرمانی و جان فشانی‌های رزمندگان به طول انجامید، بسیار سنگین بود. هزاران شهید، آواره و زندانی... بهایی بود که ملت الجزائر برای پیروزی علیه استعمارگران پرداخت (شرف، ۱۹۹۱: ۶۶).

هر انقلابی که صورت می‌گیرد، ادبیات به عنوان یک عنصر فعال و سازنده در آن انقلاب حضور دارد در انقلاب الجزائر نیز ادبیات حضور چشمگیری دارد (دوغان، ۱۹۹۶: ۳۱).

ناگفته نماند؛ استعمار هیچ وقت نتوانست بر ادبیات این کشور مسلط شود؛ چرا که ادبیات از اندیشه و اعتقاد مردم ناشی می‌شود و اهالی الجزائر به کمک ادبیات توانستند سایر چیزهای از دست رفته خود را بازگردانند (قادری، ۱۳۸۹: ۴۱).

انقلاب الجزائر، بستری مهم برای نقش آفرینی زنان بود (www.hayaa.ir). زن الجزائری در فعالیت‌های انقلابی خویش بر آن نیست که نقش و شخصیت مشهوری را به نمایش گذارد که هزاران بار در خیال تصور کرده یا در داستان‌ها خوانده است. فعالیت انقلابی زن الجزائری، مولود حقیقی حالتی خالصانه است که بدون آموزش قبلی صورت می‌گیرد؛ در اینجا نه تنها شخصیتی وجود نداشت که مورد تقلید قرار گیرد، بلکه برعکس نوعی صورت نمایش فشرده وجود دارد که زن الجزائری و شخصیت انقلابی را در یک پیوستار یگانه می‌سازد و زن الجزائری درست در سطح این تراژدی است که قد علم می‌کند (www.rasekhoon.net).

در این جستار، بعد از معرفی اجمالی بانوی انقلابی الجزائر «جمیله بو حیرد»، به بررسی و تحلیل شعر برخی از شاعران معاصر

عرب در مورد شخصیت وی پرداخته می‌شود.

۲-۲. نگاهی گذرا به زندگی جمیله بوحیرد

جمیله بوحیرد در محله قصبه در الجزائر در سال (۱۹۳۵م/۱۳۵۳ق) دیده به جهان گشود. دختری که بین هفت برادر جوان در خانواده‌ای فقیر می‌زیست. وی در مدرسه فرانسوی آموزش دید و به سرعت به حرکت مقاومت سرّی ملحق شد (www.cloob.com).

جمیله از مبارزان جبهه آزادی بخش الجزائر بود که در سال (۱۹۵۷م/۱۳۷۶ق) در جریان یکی از درگیری‌های مبارزاتی مجروح و دستگیر می‌شود؛ او پس از تحمل روزهای شکنجه و عذاب در زندان در جریان دادگاهی فرمایشی به اعدام محکوم می‌شود. در پی اعلام روز ۷ مارس سال ۱۹۵۸م برای اجرای حکم اعدام و در پی آن درخواست بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کمیته حقوق بشر سازمان ملل مبنی بر تعویق اجرای حکم، محکومیت وی به حبس ابد تغییر یافت. وی پس از آزادی الجزائر از زندان آزاد شد (رخشنده نیا، قزوینی، ۱۳۹۳: ۱۷).

وی همچنین از فعالان سیاسی الجزائری بود که در انقلاب این کشور علیه فرانسه در اواسط قرن گذشته نقش مهمی ایفا کرد (www.qodsna.com).

جمیله بوحیرد، از جمله زنانی است که توانسته است در عرصه مقاومت و پایداری، نقش مهمی را ایفا کند و با اقدامات دلیرانه خود در راه استقلال کشورش تلاش نماید؛ و این چنین نام وی در سراسر سرزمین‌های عربی طنین انداز شده است. ستایش‌ها و تمجیدهای شاعران عرب از ایشان به گونه‌ای است که می‌توان از او به‌عنوان «زنی اسطوره‌ای و مبارز»، اما در «دنیای معاصر» یاد نمود.

۲-۳. نگاه نمادین شاعران عراق به جمیله بوحیرد

همانگونه که قبلاً ذکر گردید، شاعران زیادی در نواحی مختلف سرزمین عربی از وی یاد می‌کنند از جمله این کشورها، عراق است. شاعران عراقی که در این پژوهش مورد بررسی واقع شده‌اند عبارتند از: نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب.

۲-۳-۱. نازک الملائکه

نازک الملائکه، از جمله شاعران عراقی است که اشعار زیادی در مورد مقاومت و پایداری سرزمین‌های عربی سروده است. نازک در قصیده‌ای با عنوان «نحن و جمیله» از جمیله بوحیرد یاد می‌کند. وی در مورد جمیله بر این باور است که ایشان در هر کجای کشورهای عربی هم که باشد؛ باز برای وطنش، الجزائر، ناله سر می‌دهد. در صورتی که دیگر ساکنان کشور برای الجزائر، فقط با سرودن آوازا و ترانه‌های شاد به توصیف آن می‌پردازد. وی همچنین کسانی را که در راه دفاع از کشور هیچ حرکتی از خود نشان نمی‌دهند و در برابر ظلم و ستم‌هایی که به جمیله می‌شود، سکوت می‌کنند، مورد خطاب قرار می‌دهد و با حالتی کنایه آمیز و تمسخر می‌گوید؛ این ترانه‌ها و آوازاها هیچ نفعی به کشور نمی‌رساند و جمیله را از چنگال مرگ (اشاره به حکم اعدام) نجات نمی‌دهد:

۱. جَمِيلَةٌ تَبْكِينُ خَلْفَ الْمَسَافَاتِ، خَلْفَ الْبِلَادِ / وَ تُرْخِينُ شَعْرَكَ كَفَّكَ دَمْعَكَ فَوْقَ الْوَسَادِ / أَتَبْكِينُ

أنتِ؟ أتَبْكِي جَمِيلَةً؟

«ترجمه: ای جمیله تو در پس مسافت‌های طولانی و در پس کشورها گریه می‌کنی و مو و دست و اشکت بر روی بالش سست می‌شود. آیا تو گریه می‌کنی؟ آیا جمیله گریه می‌کند؟»

۲. أَمَا مَنَحُوكِ اللَّحُونَ السَّخِيَّاتِ وَالْأَغْنِيَّاتِ؟ أَمَا أَطْعَمُوكِ حُرُوفًا؟ أَمَا بَدَّلُوا الْكَلِمَاتِ؟ / فَقِيمِ الدَّمُوعَ إِذْنَ يَا جَمِيلَةً؟

«ترجمه: آیا آوازها و آهنگ‌های پر معنی به تو چیزی نمی‌بخشند؟ آیا حروف، تو را غذا نمی‌دهند؟ آیا کلمات به تو چیزی نمی‌بخشند؟ ای جمیله پس این اشک‌ها برای چیست؟»

نازک الملائکه نیز در ابیات دیگری از این قصیده، از یک طرف، خودش و هموطنان جمیله را با ضمیر «نحن» به تصویر می‌کشد که همچنان به جمع‌آوری آهنگ و ترانه مشغول هستند. و از طرفی دیگر، شجاعت و درایت و مقاومت و پایداری جمیله را با حمل کردن زنجیر سنگین اسارت که همواره عطش تشنگی را با خود حمل می‌کند، توصیف می‌کند.

۱. نَحْنُ مُنَحْنَا لِيُوصَفِ جَرَاكِ كُلَّ شَفَهٍ / وَ جَرَحْنَا الْوَصْفَ، خَدَشَ أَسْمَاعُنَا الْمُرْهَفَهَ / وَأَنْتِ حَمَلْتِ التِّيُودَ الثَّقِيلَه

«ترجمه: ما برای توصیف زخم‌های تو با هر زبانی خم می‌شویم درحالی‌که ما وصف را بی‌اعتبار کردیم و نام و شهرت خودمان را لکه‌دار کردیم. و تو زنجیرهای سنگین را با خود حمل کردی.»

۲. وَ حِينَ تَحَرَّقَتْ عَطَشِي الشُّفَاهِ إِلَى كَأْسِ مَاءٍ... حَشَدْنَا اللَّحُونَ وَ قُلْنَا سُنْسِكْتِهَا بِالْغِنَاءِ / وَ نَشَدُو لَهَا فِي اللَّيَالِي الطَّرِيَلَه

«ترجمه: زمانی که لب‌های تشنه‌ات برای یک کاسه آب آتش می‌گرفت ما آهنگ‌ها را جمع‌آوری کردیم و گفتیم ما با آواز و ترانه آن را خاموش (آرام) خواهیم کرد. و شب‌های طولانی برای او آواز سر دادیم.»

۳. وَ قُلْنَا: سَنَنْقُدُهَا، سَوْفَ نَفْعَلُ! ثُمَّ غَرِقْنَا وَرَاءَ مَدَى "سَوْفَ" بَيْنَ الْحُرُوفِ النَّشَاوِي وَ صَحْنَا / تَعْيِشُ جَمِيلَةً! تَعْيِشُ جَمِيلَةً! (الملائکه، ۱۹۹۷، ج ۲، ۳۵۱-۳۵۲).

«ترجمه: و گفتیم: او را نجات خواهیم داد، چه خواهیم کرد! پس خود را در پس کلمه «سوف» بین حروف خوب و زیبا پنهان نمودیم. جمیله زندگی می‌کند! جمیله زندگی می‌کند!»

ناگفته نماند، شاعر در این ابیات ویژگی‌های ایثار و پایداری را منحصر به یک شخص نمی‌داند بلکه معتقد است کشوری به پیروزی می‌رسد که تمام ساکنان آن در برابر یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند و با هم متحد باشند.

از نظر ساخت نحوی، شروع قصیده با نام جمیله بو حیره و به کار بردن جملات به صورت خطاب مستقیم، حضور جمیله را در شعر پرفروغ می‌سازد و بر محوری بودن شخصیت او در متن تأکید می‌کند و پیام اصلی مورد نظر شاعر را نشان می‌دهد. تکرار نام «جمیله» و تأکید شاعر بر این اسم، بیانگر آن است که نازک الملائکه بر آن بوده است تا توجه مخاطبان را به این شخصیت مبارز، معطوف نماید.

۲-۳-۲. بدر شاکر السیاب

بدر شاکر السیاب (۱۹۲۶م-۱۹۴۶م) برای تکریم این مبارز الجزائری، یک روز قبل از محکوم شدنش به اعدام، قصیده‌ای با عنوان «الی جمیله بو حیره» در وصف ایشان می‌سراید؛ وی در اشعارش او را با تعبیر «خواهر شریف» خطاب کرده و می‌گوید: بعد از این همه رنج و سختی، فردا از آن‌ها می‌شوی و تا مقام فرشتگان صعود می‌کنی:

بَهْتَفُ: «يا جَمِيلَةَ/ يا أُخْتِي النَّبِيلَةَ/ يا أُخْتِي الْقَيْلَةَ/ لَكَ الْعَدَّ الزَّاهِي كَمَا تَشْتَهِي» / و أَنْتِ إِذِ أَحْسَسْتِ،
إِذِ تَسْمَعِينَ / تَعْلُو بِكَ الْأَلَامِ فَوْقَ التُّرَابِ / فَوْقَ الدُّرَى، فَوْقَ إِنْعَادِ السَّحَابِ / تَعْلِينَ حَتَّى مَحْفِلِ الْأَلْهَةِ/
كَالرَّبَّةِ الْوَالِهَةِ/ كَالنَّسَمَةِ النَّائِيَةِ (السياب، بی تا، ۱/۳۸۶-۳۸۵).

ترجمه: «فریاد می زند ای جمیله / ای خواهر شریف من / ای خواهر کشته شده من / فردای درخشان آنگونه
که خواهان آن هستی، در انتظار توست / و تو آن را احساس می کنی، پس دیگران می شنوند / به همراه تو
غم های روی خاک و زمین تا ماورای برپایی ابرها بالا می روند، تا محفل فرشتگان بالا می روی مانند بانویی
آشفته مانند نسیم ملایم.»

سیاب با فریاد زدن و آوردن نام جمیله، اعتراض خود را در برابر وضعیت موجود در الجزائر اعلام می کند و این شعر او می تواند تلاشی در جهت بیدارسازی جهان عرب باشد. سیاب همچنین وی را مادر فرزندان سرزمینش خطاب می کند؛ و از نظر او، جمیله، نماد قلّه کوهی است که در برابر سختی ها از خود پایداری نشان می دهد و راه و روش او الگوی دیگر مبارزان خواهد شد.

يَا أُخْتَنَا، يَا أُمَّ أَطْفَالِنَا / يَا ذُرْوَةً تَعْلُو لِأَبْطَالِنَا (همان: ۳۸۴)

«ترجمه: ای خواهر ما، ای مادر فرزندان ما / ای قلّه کوهی که قهرمانان ما از آن بالا می روند.»

۲-۴. جمیله بو حیرد در شعر شاعران سوری

از بین شاعران سوری به اشعار نزار قبانی درباره جمیله بو حیرد پرداخته می شود.

۲-۴-۱. نزار قبانی ۳

اگرچه نزار قبانی در شعر معاصر عرب به شاعر تغزل شهرت دارد، اما در پاره ای از زمان ها نسبت به تحولات سیاسی - اجتماعی جهان اسلام، واکنش هایی نیز انجام داده است. از جمله شعرهای او، قصیده ای با عنوان «جمیله بو حیرد» در ستایش جمیله است. بومی گرایی و استناد این چهره مبارز به اصالت های جهان عرب از ویژگی های بارز این شعر قبانی است. قصیده شاعر، در وصف جمیله، یادآور سبک محمود درویش در قصیده «سَجَلُ أَنَا عَرَبِيٌّ» است:

الإِسْمُ: جَمِيلَةُ بُوحَيْرِدَ / رَقْمُ الزَّنْرَانَةِ: تِسْعُونَ / فِي السَّجْنِ الْحَرَبِيِّ بِوَهْرَانَ / وَالْعُمُرُ: إِثْنَانُ وَعِشْرُونَ / عَيْنَانِ كَقَنْدِيلِي
مَعْبَدَ / وَالشَّعْرُ الْعَرَبِيُّ الْأَسْوَدَ / كَالصَّيْفِ، كَشَلَالِ الْأَحْزَانِ (قبانی، ۱۹۵۷: ۵۱).

ترجمه: «نام جمیله بو حیرد / شماره سلول زندان: نود / در زندان جنگی وهران ۴ است / سن: بیست و دو /
چشمانش بسان چراغ معبد / و موهای سیاه عربی اش / همچون تابستان و آبشاری از غم ها است.»

از نظر وی، جمیله، نماد زنی انقلابی است که همه در برابر او تسلیم می شوند و خورشید، گل و شب، همواره از وی یاد می کنند؛ همچنین نزار، جمیله را «ژان دارک» ۵ سرزمین عرب می خواند و ژان دارک فرانسوی در برابر وی پست و کوچک می بیند.

الاسْمُ: جَمِيلَةُ بُوحَيْرِدَ / تَارِيخُ تَرْوِيهِ بِلَادِي / يَحْفَظُهُ بَعْدِي أَوْلَادِي / تَارِيخُ إِمْرَأَةٍ مِنْ وَطَنِي /
جَلَدَتْ مِقْصَلَةَ الْجَنَادِ / إِمْرَأَةٌ دَوَّخَتْ الشَّمْسَا / جَرَّحَتْ أَبْعَادَ الْإِبْعَادِ / ثَائِرَةٌ مِنْ جَبَلِ الْأَطْلَسِ /
يُذَكِّرُهَا اللَّيْلُ وَالنَّرْجِسُ / يُذَكِّرُهَا زَهْرُ الْكِبَادِ / مَا أَصْغَرَ (جان دارك) فَرَسَا / فِي جَانِبِ (جاندارك)
بِلَادِي (همان: ۵۸-۵۷).

ترجمه: «نام: جمیله بو حیرد که تاریخ سرزمینم آن را روایت می‌کند و بعد از من فرزندانم از او حفاظت می‌کنند، تاریخ زنی از وطنم را که جلاد او را با ساطور اعدام شلاق می‌زد، جمیله زنی است که خورشید را مطیع خود ساخت و به نقاط دور دست آسیب رساند. جمیله انقلابی از جانب کوه اطلس ۶ است که شب و گل نرگس و شکوفه بالنگ از وی یاد می‌کنند و ژان دارک فرانسه در برابر ژان دارک سرزمینم (جمیله) چقدر کوچک است.»

از مقایسه اشعار شاعران عراق و سوریه می‌توان به وجوه مشترکی میان آنها اشاره کرد از جمله شاعران با حفظ تناسب میان کلمات از یک سو و تناسب آن با مضمون کلی شعر از سوی دیگر در پی ایجاد وحدت در اثر خود هستند. همچنین شاعران توانسته‌اند به الفاظ تکراری جنبه هنری عمیقی ببخشند تا بدین وسیله آنها را با قدرت و انتقال احساس و عاطفه خویش بارور سازند؛ مانند واژگان «جمیله بو حیرد و اُخت».

۲-۵. جمیله بو حیرد و شعر معاصر مصر

انقلاب الجزائر و مقاومت آنها توجه بسیاری از شاعران در سرزمین های عربی به خصوص مصر را به خود جلب کرد. در این پژوهش به تحلیل گزیده‌ای از اشعار عبدالمعطی حجازی می‌پردازیم.

۲-۵-۱. عبدالمعطی حجازی ۲

عبدالمعطی حجازی، درباره تمامی کشورهایی که به نوعی مورد ستم واقع شده‌اند؛ قصایدی سروده است و قهرمانان آن کشورها را مایه فخر و نماد آزادی می‌داند. از جمله این قهرمانان که شاعر با عنوان «قدیسه» از وی نام می‌برد، جمیله بو حیرد است:

وی بر این عقیده است که جمیله برای ادامه رسالت خویش که همان مقاومت و مبارزه با استعمارگران و در نهایت رسیدن به پیروزی است؛ از تمام آرزوهای شخصی خویش دست کشیده و تمام وقت و اندیشه خویش را در خدمت اهداف انقلاب قرار داده است. در واقع قدیسه شاعر برای سرزمینش می‌جنگد؛ به این امید که روزی مردم الجزائر به پیروزی برسند.

...لم تَبْتَسِمِ جَمِيلَةً / لَمْ تَفْتَرِشْ عُشْبًا بِجَنْبِ عَاشِقٍ تَحْتَ الْقَمَرِ / لَمْ تَعْرِفِ اللَّثْمَا / لَمْ تَعْرِفِ
الْعَرَامَ! إِيَّا خَاطِرًا، حُلْمًا / فَقَدْ مَضَى كُلُّ قَتْنِي فِي سَنَاهِ إِلَى الْجِبَالِ... (الحجازی، بی تا: ۱۲۶).

«ترجمه: جمیله لبخند نزد. / او هرگز در کنار عاشقی زیر نور ماه سر بر بالین سبزه نهاد. / او بوسیدن را نمی‌شناخت. / و از عشق جز خاطره و رؤیایی هیچ نمی‌دانست. / وی تمام جوانی خویش را بر فراز کوه‌ها سپری کرده است.»

قَدَيْسَتِي! تَغَسَّلَتْ فِي دَمِهَا... قَدَيْسَتِي صَلَّتْ لِاجْلِهَا مَدَائِنَ / دَقَّتْ نَوَاقِيسُ، وَ كَبَّرَتْ مَآذِنَ / طَارَتْ طُيُورٌ فِي
النَّوَاحِي بِاسْمِهَا! جَمِيلَةً، جَمِيلَةً / تَعَلَّمَ أَنَّ حَوْلَهَا أَلْفَ رَسُولٍ / سَيَحْمَلُونَ بَعْدَهَا الرِّسَالَةَ (همان، ۱۲۹-۱۲۸).

قدیسه من! در خون خویش می‌غلطد. / قدیسه من! تمام شهرها در برابر او به نماز می‌ایستند. / زنگ‌ها به صدا درمی‌آیند و ندای الله اکبر سر می‌دهند. / پرندگان در اطراف آسمش به پرواز درمی‌آیند. جمیله جمیله / می‌دانست که اطرافش هزاران فرستاده هست. که بعد از وی این رسالت را به عهده می‌گیرند و انجام می‌دهند»

چنین به نظر می‌رسد؛ پرندگان از نظر شاعر، نماد آزادی هستند که با به پرواز درآمدن آنها در اطراف جمیله این نوید را به مردم می‌دهند که بعد از وی نیز کسانی هستند که رسالت ایشان را ادامه دهند و به آینده‌ای درخشان، امیدوار شوند.

کاربرد بیشتر فعل ماضی نسبت به فعل مضارع در این قطعه شعری، به جایگاه جمیله بوحیرد و ارزش و اهمیت آن از گذشته تاکنون اشاره دارد. تکرار واژگان «قدیسه و جمیله» نشان دهنده تأکید شاعر به عشق خود نسبت به جمیله بوحیرد است.

۶-۲. سیمای بوحیرد در سرزمین‌های اشغالی

نگاه شاعران فلسطینی به زن از مهمترین رویکردهای ادبی معاصر به شمار می‌آید که تحت تأثیر مستقیم اوضاع سیاسی و اجتماعی این سرزمین قرار دارد. از جمله این شاعران راشد حسین است:

۶-۲-۱. راشد حسین ۸

راشد حسین، شاعر انقلابی فلسطین، در وصف جمیله، دو قصیده با عناوین «مصرع جمیله بوحیرد» و «إلی جمیله» سروده است. شاعر در قصیده «إلی جمیله» وی را ماده شیری از جانب اوراس ۹ می‌خواند و به او درود می‌فرستد و معتقد است که با اشعارش نمی‌تواند آنگونه که باید او را وصف کند. شاعر بر آن است تا میان انقلاب الجزائر و مجاهدت‌های جمیله که در تلمیحی تاریخی، یادآور شخصیت «خوله» ۱۰ است، با انتفاضه مردم فلسطین، پیوندی تازه برقرار نماید و بر این باور است که یاد او، راهنما و یادآور پیروزی مبارزان و مجاهدان فلسطینی است (زینی‌وند، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۹۶).

۱. من فؤادی من ملایین القلوب الثوریة / خولة أخت ضرار بعثت فی الأرض حیة

«ترجمه ۱: از قلبم و از قلب میلیون‌ها انقلابی می‌گویم خوله خواهر ضرار بار دیگر در زمین برانگیخته می‌شود.»

۲. یوم ربسک علی الثورۃ أم عربیه / لتکونی فی طریق الظلم أنواء عتیة

«ترجمه: آن روز که مادری عربی تو را برای انقلاب تربیت نمود، برای اینکه در راه مبارزه با ستم، نوری درخشان باشی.»

۳. لتدوسی بخطی الثورۃ مجد المدفیعۃ / لک یا لبوۃ اوراس من القلب تحیه

«ترجمه: با دست خشم انقلابی از مجد و بزرگواری را که همچون توپخانه است، آن را تحقیر می‌کنم. پس ای ماده شیر اوراس این درود مرا که از اعماق قلبم برمی‌خیزد؛ تقدیم تو می‌کنم.»

۴. یا نشیداً من لهیب فوق ضوضاء المجازر / لیتنی کنت مع الثوار فی الخندق تائر

«ترجمه: ای نغمه آتش بفرز کشتار دسته جمعی، ای کاش من نیز همراه انقلابی‌ها در خندق‌های انقلابی بودم.»

۵. لیتنی غرسه زیتون علی أرض الجزائر / عصی بالمجد یا أختاه تاریخ الجزائر

«ترجمه: ای کاش من درخت زیتون در سرزمین الجزائر بودم، ای خواهرم تاریخ آزادگان را با مجد پیوند بده.»

۶. و أقیمی جلوة التحریر فی أرض البشائر / أن عرس الدم مستلق علی معصم تائر (حسین، ۱۹۹۹: ۴۹۸-۴۹۹)

«ترجمه: نمود آزادی را در سرزمین بشارت‌ها، برپا نما؛ که عروسی خون بر روی دستان انقلابی آرمیده است.»

شاعر در ضمن قصیده‌اش اشاره‌ای تاریخی به «لویس» پادشاه فرانسه می‌کند و در نگاه اول، جمیله را با نام لویس خطاب می‌کند و بعد از لحظه‌ای از گفته‌اش پشیمان شده، چرا که از نظر وی او پادشاهی خسیس است و مقام آن را پایین می‌داند و

با جمیله برابری ندارد.

نمادهای طبیعت در شعر راشد حسین، به وضوح دیده می‌شود. راشد، زیتون را نمادی برای مقاومت و اصالت زنان الجزائری به خصوص جمیله به کار برده است و نیز درخت سبز، تنومند و بلند به عنوان نمادی برای مقاومت و ایستادگی در برابر هرگونه سختی است که شاعر آن را به زیبایی در وصف جمیله به کار گرفته است.

۱. مات الصبأ علی ربی باریس یا «روسبیر ۱۲» / مات و اللیل قابله عجزاً قام یجهض زانیات
«ترجمه: روسبیرا، صبح بر بلندای باریس مرد. مرد و شب همچون پیرزن قابله ای است که به سقط جنین زنان فاحشه اقدام می‌کند.»

۲. مات الصبأ مُکفناً بِبُصَاقِ مَهْتَرَى الرِّثَاتِ / متمزقاً فی کُلِّ درب من ملامحة فتات / مات الصبأ
«ترجمه: صبح کفن شده در بزاق شش‌ها درگذشت و از درخشش چهره‌هایش از هر دریچه‌ای دختران جوانی پراکنده می‌شوند. صبح در گذشت.»

۳. و «جمیله» تحیا و تحیا فی القلوب و فی الجراح / کالدوحة الخضراء... فی نظراتها لهب الرماح
«ترجمه: جمیله در قلب‌ها زنده می‌ماند. زنده می‌ماند. در حالی که با وجود زخم‌هایش همچون درخت سبز تنومندی است... و در نگاه‌هایش شعله آتش نیزه‌هاست.»

۴. لو سَخَّرُوا کُلَّ الرِّیاحِ لِقَلْعِهَا کُلَّ الرِّیاحِ / ما أفلحت فی قلع دوحه أغنیات من کفاح
«ترجمه: اگر همه بادها را برای نابود کردن جمیله به کار بگیرند از نبرد و نابودی این درخت بلند آوازه‌ها پیروز نمی‌شوند.»

۵. هدی حواکیر الجزائر فی جمیله فی العيون / و العزة السمراء مشرقة علی الشفة الحنون
«ترجمه: این همان توان ممتاز الجزائری است که در جمیله و در چشمان وی نمود یافته است... و عزت والا در لبان مهربان جمیله درخشان است.»

۶. لم تتسع للهيبها الحراق أقبية السجون / فلتتسع للهيبها ساحات مقصلة المنون / الصبح یا «روسبیر» مات!..
«ترجمه: زبانه آتش سوزان و داغ، سقف زندان‌ها را فرا نمی‌گیرد بلکه آتش آن میدان شمشیرهای (اعدام) مرگ را در بر می‌گیرد. ای روسبیرا صبح درگذشت.»

۷. وَ تَجَهَّزَ الْجَلَادُ بِالْفَأْسِ الَّتِي قَتَلَتْ «لُویس» / لکن أتذکر من لویس ألم یکن ملکاً خسیس (همان: ۴۹۴-۴۹۵).
«ترجمه: جلاد با شمشیرش آماده می‌شود تا لویس را اعدام کند ولی به یاد می‌آورد که لویس کسی جز پادشاهی خسیس نبود.»

۲-۷. سیمای جمیله در شعر شاعران سودان

از بین شاعران سودان به اشعار محمد مفتاح الفیتوری درباره جمیله بو حیرد پرداخته می‌شود.

۲-۷-۱. محمد مفتاح الفیتوری ۱۳

فیتوری، قصاید زیادی را در مورد قهرمانی‌ها و دلاوری‌های جهان اسلام به تصویر کشیده است، از جمله این قصاید، قصیده‌ای با عنوان «رسالة إلی جمیله» در مورد قهرمانی جمیله بو حیرد است؛ که اسم وی با اسم وطنش، الجزائری، کشور میلیون‌ها شهید در هم آمیخته است (الفیتوری، ۱۹۷۲، ۳۳). فیتوری در این قصیده خطاب به جمیله می‌گوید:

مَا جَمَلَ الْحَيَاةَ يَا جَمِيلَةَ / لَوْلَا جُنُونُ الطَّغَاهِ / وَ قَهَقَهَاتُ السَّجُونِ / لِأَنَّ ظَالِمًا يُحِبُّ الْحَيَاةَ / وَ يَكْرَهُ الْآخِرِينَ / لِأَنَّ سَيِّدًا
يُحِبُّ الْعَبِيدَ / وَ يَكْرَهُ الثَّائِرِينَ / لِأَنَّ سَجَانَكَ يَا جَمِيلَةَ / أَيَّتُهَا النَّارُ الْجَزَائِرِيَّةُ كُلُّ جُنُودِ الْإِمْبْرَاطُورِيَّةِ / لَا تَطْرُقِي
رَأْسَكَ يَا جَمِيلَةَ / لَا تَخْفُضِي جِبْهَتَكَ النَّبِيلَةَ / قَفِي بَوَجْهِ الْعَذَابِ / شَامِخَةَ بِالْعَذَابِ / لَا تَدْعِي نَقْمَتَهُمْ تَقْتَلِكِ / لَا تَدْعِي
رَحْمَتَهُمْ تَغْسَلِكِ / إِنَّكَ قَبْرُ الْإِمْبْرَاطُورِيَّةِ / إِنَّكَ تَسْقِينِ بِأَلَامِكِ / أَشْعَةُ الشَّمْسِ الْجَزَائِرِيَّةِ / إِنَّكَ تَمْشِينَ بِأَقْدَامِكِ /
فَوْقَ جَلَالِ الْإِمْبْرَاطُورِيَّةِ... (همان، ۳۴).

ترجمه: «ای جمیله! زندگی چقدر زیباست / اگر جنون و دیوانگی به همراه قهقهه های زندانیان بر آن چیره
نمی یافت / زیرا جنون ستمگری است که حیات را دوست دارد / و از دیگران بیزار است / زیرا تو بزرگواری
هستی که برده ها را دوست دارد و از شورش ها بیزار است / ای جمیله تو بسان آتشی هستی که بر سربازان
امپراطوری فرود می آیی / ای جمیله سر فرود نیاور و تسلیم نشو / و پیشانی پاک خویش را پایین نیاور / در
مقابل عذاب و سختی بایست و در برابر درد و عذاب همچون کوهی استوار باش / و کینه دشمنان را با قتل
جواب نده / رحمت و مغفرت آنها را با پاک کردن جواب نده / زیرا تو بسان قبری برای لشکر امپراطوری
هستی / و با درد و غم هایت آنها را سیراب می کنی / تو نوری از جانب الجزائر هستی که با قدم هایت بر
جلال و عظمت امپراطوری راه می روی.»

همانطور که ملاحظه می شود، شاعر در این شعر با به کارگیری نمادهای فراوان در پی ستایش و توصیف مجاهدت های
جمیله است. گویا مسأله جنون نزد شاعر، نماد استعمارگرانی است که قدم به سرزمین الجزائر نهاده اند و سعی در اشغال آن
دارند و جمیله را همچون زندانبانی می بیند که از آن مواظبت می کند و مانع از هجوم آنها به خاک و وطنش می شود. شاعر،
بارها جمیله را مورد خطاب قرار می دهد و از او می خواهد در برابر دشمن تسلیم نشود و با قدم های استوار و محکم خویش
در سرزمین خود مقتدرانه راه برود و از توطئه و نیرنگ دشمنان هراسی به دل راه ندهد. می توان گفت که هماهنگی و
انسجام میان اجزای مختلف اثر در سطح واژگانی مشهود است. شاعر با حفظ تناسب میان کلمات از یک سو و تناسب آن با
مضمون کلی شعر از سوی دیگر، در پی ایجاد وحدت در اثر خود است. واژگانی چون: «عیب، الثائرين، السجون، سجان،
عذاب، تقتل و...» از جمله واژگان محوری شعر به شمار می آیند که در نتیجه هم نشینی مناسب آنها، مطلوب و مقصد شاعر
به مخاطب منتقل می شود. همچنین در کنار رعایت تناسب واژگان، با کمک گرفتن از صنعت تضاد در واژگان؛ مانند
«يُحِبُّ وَ يَكْرَهُ» به خوبی از تقابل میان واژگان برای انتقال مقصود خود به مخاطب بهره می گیرد. در واقع شاعر با به
کارگیری تضاد، ضمن ایجاد روابط نامأنوس در کلمات، واژگان را برجسته می نماید. کاربرد فعل مضارع، همسو با مفهوم
تداوم و استمرار حضور جمیله بو حیرد و یاد و خاطره وی در عصر حاضر مطرح شده است.

۲-۸. جمیله بو حیرد در شعر شاعران عربستان

از بین شاعران عربستان به اشعار حسن عبدالله القرشی درباره جمیله بو حیرد پرداخته می شود.

۲-۸-۱. حسن عبدالله القرشی ۱۴

حسن عبدالله القرشی از شاعران معاصر عربستان است که قصیده ای در وصف جمیله سروده است. شاعر در این ابیات نیز
مانند دیگر شاعران جمیله را مانند آهنگی می داند که در الجزائر نواخته می شود و به آن صفا و صمیمیت می بخشد، گویا
وجود جمیله در الجزائر موجب آرامش و دلگرمی ساکنان آن است. از نظر وی، جمیله برای شهادت در راه وطن با
خوشحالی از آن استقبال می کند و از مرگ هراسی ندارد:

۱. جَمِيلَةٌ وَأَنْتِ يَا أُنشُودَةَ الْإِبَاءِ / يَا نَعْمَةَ تَشَعُّ بِالطَّهْرِ بِالصَّفَاءِ

«ترجمه: ای جمیله، ای آواز مناعت و بیزاری، ای نغمه‌ای که با صفا و پاکی پراکنده شده‌ای.»

۲. شَهِيدَةٌ فِي وَطَنِي تَضْحَكُ / أَذْكَرْتَنِي «خَوْلَةٌ» فِي مَوْقِفِهَا الْوَضَاءِ (قرشی، ۱۹۷۳: ۲۰۴)

«ترجمه: زن شهید، «جمیله» به خاطر فدا شدن در راه وطنم می خندد و خوله را در جایگاه درخشانش به خاطر می آورد.»

همانطور که ملاحظه می شود؛ عنوان شهید و شهادت از جمله مباحثی است که در بین شاعران عرصه ادب مقاومت از جایگاه بالایی برخوردار است. شاعر قرشی در این قصیده با عنوان کردن نام شهید برای جمیله، وی را عامل زندگی و پویایی مردم الجزائر می داند.

با تفکر در شعر شاعران فلسطین و عربستان ذکر این نکته حائز اهمیت است که شاعران علاوه بر استفاده از آرایه های تکرار و تضاد و همچنین ایجاد تجانس و تناسب میان آنها در اشعار خود، با عنوان کردن شخصیت های تاریخی مانند «خوله و لویس»، به خوبی توانسته اند مجاهدت های جمیله بو حیرد را برای همگان بیان کنند.

۳. نتیجه گیری

از رهگذر تحلیل شعر شاعران پایداری معاصر عرب در باب جمیله بو حیرد یافته های زیر حاصل آمد:

۱. نام جمیله بو حیرد، در شعر معاصر عربی همراه با دلآوری و شجاعت و استقامت است. او در این شعرها الگویی برای زنان الجزائری و سایر زنان در کشورهای عربی معرفی شده است.
۲. جمیله بو حیرد با عناوین زیادی مورد خطاب واقع شده است از جمله آنها: خواهر، مادر، صبح درخشان، درخت سرسبز و تنومند، ماده شیر، نغمه آتش، زندانبان، قدیسه، شهید... است. لفظی که بیشتر از همه در بین شاعران مصر، سوریه، فلسطین، عراق، سودان و عربستان زبازد بوده و بارها تکرار گشته است؛ لفظ «خواهر» برای جمیله است. همه آنها، وی را مظهر شجاعت و دلوردی و نهراسیدن از حمله استعمارگران می دانستند. همچنین از جمیله بو حیرد برای بیدار کردن هموعان خود در سایر کشورهای عربی بهره جسته است.
۳. با بررسی دیوان هریک از شاعران، نتیجه، حاکی از آن است که هر کدام از شاعران بعد از پی بردن به محکومیت جمیله به اعدام، و در یک برهه زمانی معین، اشعاری در وصف جمیله بو حیرد سروده اند. بنابراین این اشعار نیز به نوعی، نمونه ای از اعتراض شاعران کشورهای همسایه در برابر استعمار فرانسه و اشغالگران و سیاست های اشتباه آنها در برابر مردم مظلوم الجزائر، به خصوص جمیله بو حیرد بوده و نیز مطابق با واقعیت های تلخ جهان عرب است.
۴. مضامین شعری هریک از شاعران، بیانگر تصاویری واقعی از الجزائر و بیان احوال ساکنان آن و نیز توصیف گر توجه عشق آنها به مبارزان در راه وطن است که به خوبی در اشعار آنها نمودار گشته است.

۴. یادداشت ها

- ۱- نازک الملائکه از شعرای دوره معاصر است وی به سال (۱۹۲۳م/ ۱۳۴۱ق) در بغداد متولد شد و تحصیلات خود را در بغداد به پایان رساند و در سال (۱۹۳۹م/ ۱۳۵۷ق) در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشسرای عالی بغداد فارغ التحصیل شد

وی از همان دوران کودکی گرایش شدیدی به شعر و ادبیات داشت. در سال (۱۹۴۷م/۱۳۶۶ق) اولین دیوان شعر او با نام «عاشقه اللیل» چاپ شد (www.isna.ir).

۲- بدر شاکر السیاب یکی از معروف‌ترین شاعران معاصر است که در سال (۱۹۲۶م/۱۳۴۴ق) در عراق در روستای به نام جیکور به دنیا آمد. وی برای تحصیلات عالی روستایش را ترک کرد و پس از وارد شدن به دانشسرای عالی و تحصیل در رشته ادبیات عربی با ادبیات غرب آشنا شد و به زبان انگلیسی روی آورد (رسول‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۳ به نقل از سیاب، بی‌تا: ۳۸۹-۳۹۹). سیاب می‌گوید: «هنگامی که می‌خواهم مقاومت را وارد شعر کنم از اسطوره‌ها استفاده می‌کنم تا از اهدافم، گرچه در پرده، بیان نمایم (بلاطه، ۱۹۷۱: ۱۸۷-۱۸۸).

۳- نزار قبانی در سال (۱۹۲۳م/۱۳۴۱ق) در دمشق متولد شد و در رشته حقوق تحصیل کرد. از جمله کارهایی که وی در طول زندگی انجام داد بر عهده گرفتن سمت‌های دیپلماتیک و تأسیس مؤسسه انتشاراتی برای نشر آثارش بود. وی از جمله شاعران مشهور معاصر عرب است این شهرت و قبول عام به سبب موضوع و زبان شعر اوست. از مهم‌ترین دفترهای شعر او «دلدار من» (۱۹۶۱م/۱۳۸۰ق) و «شعرها» (۱۹۵۶م/۱۳۷۵ق) ... هستند. وی در سال (۱۹۹۸م/۱۴۱۸ق) در لندن درگذشت (اسوار، ۱۳۸۱: ۴۶۱).

۴- وهران یا اُران یکی از شهرهای بزرگ الجزایر است. (www.wikipedia.org)

۵- ژان دارک قهرمان ملی فرانسه و قدیسه‌ای در کلیسای کاتولیک است. وی در جنگ صد ساله علیه انگلستان رهبری فرانسوی‌ها را بر عهده داشت (www.wikipedia.org).

۶- کوه اطلس رشته کوهی در شمال آفریقا است به طول ۲۵۰۰ کیلومتر که از کشورهای مراکش، الجزایر و تونس می‌گذرد (همان).

۷- عبدالمعطی حجازی در سال (۱۹۳۵م/۱۳۵۳ق) در منوفیه مصر متولد شد (شامی، ۱۹۹۹: ۳۷). برهه‌ای از زندگی خود را در سفرهای دور و دراز به کشورهای اروپایی همچون فرانسه و ایتالیا گذرانیده است. (جحا، ۱۹۹۹: ۴۳۲). دفترهای شعری وی عبارتند از: «اوراس»، «درختان سیمان»، «جز اعتراف راهی نمانده است»... (اسوار، ۱۳۸۱: ۵۷۳).

۸- راشد حسین در سال (۱۹۳۶م/۱۳۵۴ق) در روستای ممصص از توابع الجلیل دیده به جهان گشود. وی از شمار شاعران نسل سوم- نسل دوره حوادث فاجعه‌بار بعد از دوره هزیمت و شکست به شمار می‌آید- نسلی که صدای بلند اعتراض آنها در شعر شنیده می‌شود و به ادبیات و شعر مقاومت روحی تازه می‌بخشند (زینی‌وند، ۱۳۹۳، ۱۸۸، به نقل از محسنی نیا، ۱۳۸۸، ۱۵۰).

۹- اوراس نام کوهی در الجزایر است (www.blogfa.com).

۱۰- خوله جنگاوری شجاع و شمشیرزنی توانا بود زمانی که برادرش ضرار در نبرد سپاه اسلام علیه سرزمین شام اسیر شد؛ وی برای نجات برادرش لباس آهنی پوشید و به جنگ با دشمن تاخت و او را از چنگال دشمن آزاد ساخت (www.esteghamat.com).

۱۱- ترجمه ابیات راشد حسین از مقاله دکتر تورج زینی‌وند گرفته شده است (زینی‌وند، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

۱۲- روسبیرا از رهبران انقلاب فرانسه است که راشد حسین قصیده «مصرع جمیلۀ بو حیرد» را به وی تقدیم نموده و در آن

- از مجاهدت‌های جاودانه جمیله بو حیرد در میان سرزمین‌های انقلابی سخن به میان می‌آورد (زینی‌وند، ۱۳۹۳: ۱۹۵).
- ۱۳- محمد مصباح الفیتوری متولد سال (۱۹۳۰م/۱۳۴۸ق) شاعر سودانی است. شعر او زاده سرزمین آفریقایی سودان است و پرورده دو فرهنگ آفریقایی-سودانی است و اشعار وی نمایانگر ادبیات پر بار عرب و آفریقا است. هم آفریقایی‌ها و هم اعراب در آینه اشعار وی آرمان‌ها، آرزوها و دردهای خود را می‌یابند. از مجموعه شعرهای او آغانی آفریقا، عاشق من آفریقا... هستند (الفیتوری، ۱۹۷۲، مقدمه).
- ۱۴- حسن عبدالله القرشی یکی از شاعران متعهد و مبارز عربستان است همراهی با کشورهای مظلوم و ستمدیده و احساس مسئولیت نسبت به آنها او را به شعر پایداری سوق داد. وی در سال (۲۰۰۴م-۱۹۳۹م) در مکه به دنیا آمد. در دوران کودکی قرآن کریم را حفظ نمود و در مدرسه فلاح به تدریس پرداخت و مدرک لیسانس تاریخ را کسب نمود و استاد ادبیات در دانشگاه الریاض شد. از وی ده‌ها دیوان و مجموعه‌های شعری به جای مانده است؛ و نیز شاعری انقلابی بود و در این زمینه ۱۶ کتاب به چاپ رسیده است (www.ganj.irandoc.ac.ir).

فهرست منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چاپ دوازدهم. تهران: نشر نی.
۲. اسوار، موسی. (۱۳۸۱). پیشگامان شعر امروز عرب (از سرود باران تا مزامیر گل سرخ). تهران: انتشارات سخن.
۳. بلاطه، عیسی. (۱۹۷۱م). بدر شاکر السیاب، حیاته و شعره. طبعه الاولی. بیروت: دارالنهار.
۴. بیدج، موسی. (۱۳۸۰). سمفونی پنجم جنوب. تهران: پالیزان.
۵. جحا، میثال. (۱۹۹۹م). اعلام الشعر العربی الحدیث من أحمد شوقی إلی محمود درویش. الطبعه الاولی. بیروت: دارالعودة.
۶. الحجازی، احمد عبدالمعطی. (بی تا). دیوان عبدالمعطی الحجازی. مصر: دار سعاد الصباح.
۷. حیدری، رسول. (۱۳۹۰). رویکردهای شعر معاصر عرب. فصلنامه دُرّ ذری (ادبیات غنایی، عرفانی). دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. سال اول. شماره اول. صص ۶۱-۸۱.
۸. خمار، محمد بلقاسم. (۲۰۰۰م). حوار مع الذات. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۹. دوغان، احمد. (۱۹۹۶م). فی الادب الجزائری الحدیث. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۱۰. راشد، حسین. (۱۹۹۹م). دیوان راشد حسین. مقدمه الیوان: عزالدین المناصره. الطبعه الاولی. بیروت: دارالعودة.
۱۱. رخشنده نیا، سیده اکرم؛ نعمت قزوینی، معصومه. (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای اشعار نازک الملائکه و فروغ فرخزاد از منظر نقد اجتماعی، پژوهش نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم. شماره اول. صص ۴۱-۵۸.

۱۲. رسول نیا، امیرحسین؛ آقاجانی، مریم. (۱۳۹۲). مبارزه و پایداری در شعر بدر شاکر السیاب. نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال چهارم. شماره هشتم. صص ۷۲-۵۱.
۱۳. زینی‌وند، تورج. (۱۳۹۳). درآمدی تحلیلی بر نمادهای پایداری در شعر راشد حسین، نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال ششم. شماره دهم. صص ۱۸۷-۲۰۵.
۱۴. السیاب، بدر شاکر. (لا تا). دیوان بدر شاکر السیاب. ج ۱. بیروت: دارالعودة.
۱۵. شامی، یحیی. (۱۹۹۹م). موسوعه شعراء العرب. مجلد الثالث. طبعه الاولى. بیروت: دارالفکر العربی.
۱۶. شرف، عبدالعزیز. (۱۹۹۱م). المقامه فی الادب الجزائری الحدیث. بیروت: دارالجيل.
۱۷. العطیه، جلیل. (۱۹۹۴م). اعلام الادب فی العراق الحدیث. جزء ۲. عراق: دارالحکمه.
۱۸. الفیتوری، محمد. (۱۹۷۲م). دیوان. بیروت: دارالعودة.
۱۹. قادری، فاطمه. (۱۳۸۹). سیری در تحول ادبیات معاصر الجزائر (۱۹۲۵-۱۹۷۵م). یزد: دانشگاه یزد.
۲۰. قبانی، نزار. (۱۹۵۷م). دیوان نزار قبانی. بیروت: دارالعودة.
۲۱. _____ (۱۳۶۴). شعر زن و انقلاب ترجمه عبدالحسین فرزاد. تهران: چاپخانه سپهر.
۲۲. القرشی، حسن عبدالله. (۱۹۷۳م). دیوان حسن عبدالله القرشی. ج ۲. بیروت: دارالعودة.
۲۳. الملائکه، نازک. (۱۹۹۷م). دیوان نازک الملائکه. ج ۲. بیروت: دارالعودة.
۲۴. محسنی‌نیا، ناصر. (۱۳۸۸). مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب. نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال اول. شماره اول. صص ۱۴۳-۱۵۸.

استناد به اینترنت

۲۵. www.wikipedia.org

۲۶. www.ganj.irandoc.ac.ir

۲۷. www.cloob.com

۲۸. www.esteghamat.com

۲۹. www.qodsna.com

۳۰. www.hayaa.ir

۳۱. www.blogfa.com

۳۲. www.insa.